

الله اعلم  
الله اعلم  
الله اعلم

تحت عنوان:

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای/ خانم **فاطمه سنغی**

### کتابخانه دایره عالی درسی سسروری

را از نظر شکل (فرم) و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

ردیف	اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
۱	استاد راهنما	رضان کسر	دانشیار	
۲	استاد مشاور	حسن بلغی	استاد دهن	
۳	نماینده تحصیلات تکمیلی	محبوبی اصفهانی	دانشیار	
۴	استاد ناظر	محبوبی اصفهانی	دانشیار	
۵	استاد ناظر	توفیق حسینی	دانشیار	

## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته فلسفه و ادبیات اسلامی است که در سال ۱۳۸۹ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر رضا البرکتی، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر حسن بلجایی و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب ما محمد سفینی دانشجوی رشته فلسفه و ادبیات اسلامی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: ما محمد سفینی

تاریخ و امضا: ۸۹/۱۱/۱۸

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب... دانشجوی رشته... در سال تحصیلی... ورودی سال تحصیلی...»  
مقطع... دانشکده... متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:.....

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۱/۱۹



دانشگاه تربیت مدرس  
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:  
تحلیل جایگاه خیال در زیبایی‌شناسی سهروردی

نگارنده  
فاطمه شفیعی

استاد راهنمای اصلی  
دکتر رضا اکبریان

استاد مشاور  
دکتر حسن بلخاری قهی

بهمن ۱۳۸۹

## تقدیم

در ابتدا، از پروردگار یکتا به خاطر رحمت و مهربانی، بخشش بی‌دریغ، حکمت بی‌نظیرش که به جسم و جان من توانایی بخشید تا به عنوان عضوی کوچک در پیشبرد اهداف علمی جامعه فلسفه اسلامی قدمی بردارم، سپاسگزاری می‌کنم و سر بر آستان مهرش دستان خالی‌ام را به سوی نور و حقیقت ابدی‌اش تا عرش می‌کشانم.

و به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجود دو گوهری که خدا همراه من گذاشت که در سردترین روزگاران بهترین پشتیبان هستند؛ به پاس قلب‌های بزرگشان که فریادرس است و سرگردانی و ترس در پناهشان به شجاعت می‌گراید؛ به پاس محبت‌های بی‌دریغشان که هرگز فروکش نمی‌کند، این مجموعه را به پدر و مادر عزیزم، که تجلی زیبایی و عشقی بزرگ هستند و به من آموختند ایثار، بالاترین درجه عشق است، تقدیم می‌کنم.

## تقدیر و سپاس

از آن رو که پروردگار یکتا خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت و به این حقیر توفیق بهره‌مندی از رهنمودهای بی‌کران بزرگان را عنایت فرمود. لذا برخویش لازم دانستم تا از زحمات استادان محترم راهنما و مشاور، آقایان دکتر رضا اکبریان و دکتر حسن بلخاری قهی که بر اینجانب منت گذاشتند و مرا از راهنمایی و مشاوره‌های خویش بهره‌مند ساختند، کمال تشکر را داشته و آرزوی سلامتی و موفقیت برای دو استاد بزرگوار را از خداوند متعال خواستارم.

همچنین از تمامی استادانی که لذت پرواز در پهنه بیکران علم و معرفت را قدردان جانهای بیدارشان هستم که شکوه اوج را در پیچ‌وخم جاده زرد عشق با زدودن زنگارهای آینه کوچک درونم نمایاندند، به ویژه آقایان، دکتر مرتضی قرایی، استاد مصطفی ملکیان، دکتر نصرالله حکمت، دکتر نجفقلی حبیبی، دکتر بابک عالیخانی، دکتر ایرج داداشی از صمیم جان سپاسگزار هستم.

در آخر از تمامی دوستان بالأخص دوستان عزیزم، خانم آرزو پایدارفرد و سیده زهرا حسینی که چون نسیمی قاصدک گمگشته وجودم را از میان تلاطم افکار پریشانم به سوی نگاهی رساندند تا لطافت گل‌های خدا را بر دستان زمخت روزگار احساس نمایم، با تمام وجود، کمال سپاس را دارم. و از دوست گرانقدرم، خانم دکتر پروین شیر بیشه، به خاطر زحمات‌ها و راهنمایی‌هایش نهایت سپاس را دارم.

## چکیده

زیبایی و هنر از دیدگاه سهروردی با آنچه امروزه به عنوان استتیک مطرح است، تفاوت دارد؛ چرا که امروزه، این هنرها برای حفظ نفس و خوشایند حواس خلق شده‌اند. در حالی که از نظر شیخ اشراق پیوند زیبایی و هنر با معرفت و نیکی ایجاد "جذبه" می‌کند و هدایت از طریق چنین زیبایی‌ای خیر مطلق را به دنبال دارد. زیبایی از نظر سهروردی در قالب سه رویکرد مفهوم‌شناسی، وجودشناسی و معرفت‌شناسی قابل بررسی به شرح ذیل می‌باشد.

به لحاظ مفهوم‌شناسی، واژه زیبایی به حُسن تعبیر می‌شود که به جمال و کمال، توأمان به یک پدید اشاره دارد، پس هر چه در نهایت کمال قرار دارد، زیباست. به لحاظ وجودشناسی، زیبایی امری عینی است که با عالم خارج منطبق می‌باشد. روابطی از جمله نورها، رنگ‌ها و شکل‌های مختلف (نمودهای عینی) منشأ درک و بروز احساس زیبایی می‌شود و به لحاظ معرفت‌شناسی، زیبایی، لذت ادراک و وصول کمال است که به واسطه عشق تجلی می‌کند و سبب حرکت می‌شود.

الگوهای زیبایی‌شناسانه‌ای که سهروردی در ساختار حُسن و عشق معرفی می‌کند، به خیال باز می‌گردد. با در نظر گرفتن خیال به عنوان یکی از عوالم چندگانه هستی (رویکرد هستی‌شناختی) و قوای انسانی (رویکرد معرفت‌شناختی)، و مظهر دانستن قوه متخیله برای صور خیالی در عالم خیال و وجود رابطه قهر و محبت میان مراتب مختلف هستی، بازتاب صور معلقه آن عالم در روح هنرمند را می‌تواند معیاری برای کشف ریشه‌های متعالی هنر اسلامی معرفی کند. بنابراین اگر عالم خیال نبود و یا اگر بود و صرفاً به مثابه حافظه و نیروی بایگانی، نقش ایفا می‌کرد، هیچ یک از انحاء هنر صورت نمی‌بست، هیچ اثر هنری شکل نمی‌گرفت و دیگر زبان دارای رمز و استعاره نبود و ادبیات شعری پدید نمی‌آمد. با مبنا قراردادن خیال به عنوان عالم هنر و هنرمندی، هنر، قوه خیال و عالم خیال با هم تعامل دارند. یعنی عالم خیال و شئون آن، جرقه‌های هنر را پدیدار می‌کند و قوه خیال به عنوان مظهر صور عالم خیالی شاهکارهای هنری را پدید می‌آورد. این مسئله می‌تواند تئوری نسبتاً کاملی در ایجاد واسطه میان زیبایی ناشی از شهود عرفانی و تمثیل هنری در جهان اسلام قرار گیرد و حلقه گمشده نقوش، تذهیب، معماری و آثار هنری متعالی و شگفت‌انگیز هنر اسلامی باشد. هنر متعالی در ساختار زیبایی‌شناسی سهروردی با هنری که گروهی به نام سنت‌گرا هنر قدسی تبیین می‌کنند، سازگار و قابل تطبیق است.

**کلید واژه‌ها:** سهروردی، مفهوم شناسی، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، قوه خیال، عالم خیال، عالم

هنر و هنرمندی، رمز، هنر مقدس



## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: مقدمه و کلیات

- ۱-۱: مقدمه و بیان مسأله..... ۱
- ۲-۱: سوالهای تحقیق...../..... ۶
- ۳-۱: فرضیه‌ها/پیش فرض..... ۶
- ۴-۱: جنبه نوآوری..... ۷
- ۵-۱: روش تحقیق..... ۷
- ۶-۱: سازماندهی تحقیق..... ۸

### فصل دوم: سهروردی و حکمت اشراقی

- ۱-۲: سهروردی کیست؟..... ۱۰
- ۱-۱-۲: زندگی و احوال سهروردی..... ۱۰
- ۲-۱-۲: آثار سهروردی..... ۱۳
- ۳-۱-۲: تأثیر سهروردی..... ۱۵
- ۲-۲: سرچشمه‌های حکمه‌الاشراق..... ۱۶
- ۱-۲-۲: حکمت یونان..... ۱۶
- ۲-۲-۲: حکمت فهلویون (خسروانی)..... ۱۷
- ۳-۲-۲: زرتشت..... ۱۹

- ۲۰-۲-۴: تصوف و عرفان...../...../.....
- ۲۳-۴-۵: حکمت مشاء...../...../.....
- ۲۴-۲-۶: قرآن و حدیث.....
- ۲۶-۳: حکمه الاشراق چیست؟.....
- ۳۱-۴-۴: اصول و مبانی حکمه الاشراق.....
- ۳۲-۴-۱: پیشینه نور.....
- ۳۵-۴-۲: نور و وجود.....
- ۳۷-۴-۳: تعریف نور در حکمت سهروردی.....
- ۳۹-۴-۴: اقسام نور.....
- ۴۱-۴-۵: ویژگی های انوار مجرد.....
- ۴۱-۴-۵-۱: ویژگی های خاص انوار مجرد.....
- ۴۷-۴-۵-۲: ویژگی های عام انوار مجرد.....
- ۵۳-۵: جمع بندی فصل دوم.....

### فصل سوم: نظریه خیال نزد سهروردی

- ۵۵-۳-۱: مقدمه.....
- ۵۶-۳-۱-۱: خیال در قرآن.....
- ۵۷-۳-۱-۲: خیال نزد حکمای اسلامی.....
- ۵۸-۳-۱-۲-۱: خیال نزد فارابی.....
- ۶۰-۳-۱-۲-۲: خیال نزد ابن سینا.....
- ۶۳-۳-۱-۲-۳: خیال نزد غزالی.....

- ۶۸..... ۲-۳: خیال نزد سهروردی.....
- ۶۸..... ۱-۲-۳: معرفت‌شناسی خیال.....
- ۷۵..... ۱-۱-۲-۳: ادراک.....
- ۷۷..... ۲-۱-۲-۳: اقسام ادراک.....
- ۷۸..... ۱-۲-۱-۲-۳: ادراک حسی.....
- ۷۸..... ۲-۱-۲-۳: ادراک خیالی.....
- ۸۰..... ۱-۲-۱-۲-۳: نحوه ادراک خیالی.....
- ۸۲..... ۳-۲-۱-۲-۳: ادراک عقلی.....
- ۸۴..... ۲-۲-۳: وجودشناسی خیال.....
- ۸۴..... ۱-۲-۲-۳: عالم خیال در رسائل عرفانی.....
- ۸۸..... ۲-۲-۲-۳: خیال، چهارمین عالم.....
- ۸۹..... ۱-۲-۲-۲-۳: عالم انوار قاهره.....
- ۹۰..... ۲-۲-۲-۲-۳: عالم انوار مدبره.....
- ۹۱..... ۳-۲-۲-۲-۳: دو عالم برزخی.....
- ۹۲..... ۴-۲-۲-۲-۳: عالم خیال.....
- ۹۷..... ۱-۴-۲-۲-۲-۳: شهرهای عالم خیال.....
- ۹۸..... ۱-۱-۴-۲-۲-۲-۳: جابلقا و جابرصا.....
- ۱۰۲..... ۲-۱-۴-۲-۲-۲-۳: هورقلیا.....
- ۱۰۷..... ۳-۲-۳: مثل نوریه افلاطونی و مثل معلقه سهروردی.....
- ۱۱۳..... ۴-۲-۳: دلایل سهروردی بر وجود عالم خیال.....
- ۱۱۳..... ۱-۴-۲-۳: دلایل نقلی بر وجود عالم خیال.....

- ۱۱۶..... دلایل ذوقی (کشفی) بر وجود عالم خیال..... ۲-۴-۳
- ۱۱۹..... دلایل عقلی بر وجود عالم خیال..... ۳-۴-۳
- ۱۲۶..... جمع‌بندی فصل سوم..... ۳-۳

### فصل چهارم : زیبایی نزد سهروردی

- ۱۳۰..... مفهوم‌شناسی زیبایی..... ۱-۴
- ۱۳۰..... امکان تعریف زیبایی..... ۱-۴-۱
- ۱۳۲..... زیبایی از منظرهای مختلف با تأکید بر منابع فکری سهروردی..... ۲-۱-۴
- ۱۳۲..... زیبایی نزد حکمای یونان..... ۱-۲-۱-۴
- ۱۳۲..... زیبایی نزد افلاطون..... ۱-۱-۲-۱-۴
- ۱۳۵..... زیبایی نزد ارسطو..... ۲-۱-۲-۱-۴
- ۱۳۵..... زیبایی نزد افلوپین..... ۳-۱-۲-۱-۴
- ۱۳۷..... زیبایی در قرآن..... ۲-۲-۱-۴
- ۱۴۰..... زیبایی نزد فلاسفه مسلمان..... ۳-۲-۱-۴
- ۱۴۱..... زیبایی نزد ابن‌سینا..... ۱-۳-۲-۱-۴
- ۱۴۴..... زیبایی نزد غزالی..... ۲-۳-۲-۱-۴
- ۱۴۶..... مفهوم زیبایی از نگاه سهروردی و نسبت آن با سایر آراء..... ۳-۱-۴
- ۱۴۷..... پیرامون فی حقیقه‌العشق..... ۱-۳-۱-۴
- ۱۴۹..... خلاصه رساله فی حقیقه‌العشق..... ۲-۳-۱-۴
- ۱۵۶..... چیستی زیبایی از نظر سهروردی..... ۳-۳-۱-۴
- ۱۵۸..... عشق شاهراه وصول به حسن..... ۴-۳-۱-۴

- ۱۶۴.....۵-۳-۱-۴: انعکاس رابطهٔ عشق و زیبایی در هنر.....
- ۱۶۴.....۶-۳-۱-۴: حسن و عشق اصول تبیین خلقت.....
- ۱۶۶.....۲-۴: وجودشناسی زیبایی.....
- ۱۶۶.....۱-۲-۴: عینی یا ذهنی بودن زیبایی.....
- ۱۷۱.....۲-۲-۴: زیبایی مشکک.....
- ۱۷۲.....۳-۲-۴: اقسام زیبایی.....
- ۱۷۲.....۱-۳-۲-۴: زیبایی‌های محسوس.....
- ۱۷۳.....۲-۳-۲-۴: زیبایی‌های غیر محسوس.....
- ۱۷۳.....۱-۲-۳-۲-۴: زیبایی‌های خیالی.....
- ۱۷۴.....۱-۲-۳-۲-۴: زیبایی‌های معقول و آرمانی.....
- ۱۷۷.....۳-۲-۳-۲-۴: جمال مطلق نورالانوار.....
- ۱۷۹.....۱-۳-۲-۳-۲-۴: تجلی جمال مطلق و پیدایش خلقت.....
- ۱۸۴.....۲-۳-۲-۳-۲-۴: راهکار ادراک جمال مطلق در مظاهر مختلف زیبایی.....
- ۱۸۷.....۴-۲-۴: ماحصل تقسیم زیبایی.....
- ۱۹۱.....۳-۴: معرفت‌شناسی زیبایی.....
- ۱۹۱.....۱-۳-۴: ادراک، لذت و عشق از زیبایی.....
- ۱۹۶.....۲-۳-۴: شوق و عشق.....
- ۱۹۶.....۳-۳-۴: حزن و عشق.....
- ۲۰۰.....۴-۴: جمع‌بندی فصل چهارم.....

## فصل پنجم: تحلیل و تبیین جایگاه خیال در زیبایی و هنر نزد سهروردی

- ۱-۵: رابطه خیال هنرمند و عالم خیال در ظهور زیبایی و هنر..... ۲۱۰
- ۲-۵: خیال در خلق و کشف زیبایی (تخیل هنری)..... ۲۱۲
- ۳-۵: نسبت زیبایی و هنر با حکمت..... ۲۱۶
- ۴-۵: هنر مقدس..... ۲۲۲
- ۵-۵: رمز و خیال..... ۲۲۸
- ۶-۵: جمع‌بندی فصل پنجم..... ۲۳۴

## فصل ششم: خاتمه

- ۱-۶: جمع‌بندی..... ۲۳۸
- ۲-۶: آزمون فرضیه‌ها..... ۲۴۵
- منابع و مآخذ..... ۲۵۲
- چکیده انگلیسی..... ۲۶۷

# فصل اول

مقدمه و کلیات

## ۱-۱: مقدمه و بیان مسأله

زیبایی حقیقتی است که انسانها را به منبع جمال یعنی ذات حقیقی جمیل و مطلق الهی رهنمون می‌سازد. یک ذات زیبا دوست دارد، که آثار و نشانه‌های زیبایی‌اش آشکار شود.

ان الله جمیل و یحب الجمال (الطبرسی، ۱۳۷۹، ق- ۱۳۳۹ ش، ج. ۲، ص ۴۱۲؛ و نیز فروزانفر، ۱۳۶۱، ص ۴۲)

در این میان، هنر نزد بشر خلق پدیده‌ای زیبا می‌باشد؛ لذا یکی از مهمترین مسائل مطرح در حوزه فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی، زیبایی و چیستی آن محسوب می‌شود. آن‌چنانکه در اندیشه شیخ شهاب الدین سهروردی می‌توان آن را جست‌وجو کرد. هرچند ایشان به طور صریح به نظریه‌پردازی در این باب نپرداخته است، اما زیبایی‌شناسی سهروردی مانند دیگر اندیشه‌های وی بر پایه مبانی فلسفی عمیق ایشان استوار است تا جایی که سوالاتی نظیر تعریف زیبایی و حتی ادراک زیبایی را پاسخگو است. بر این اساس می‌توان به بازسازی اندیشه او در باب چیستی زیبایی پرداخت و به لحاظ معرفت-شناختی، چگونگی ادراک و شناخت زیبایی و نیز حالات روانی انسان را در رویارویی با زیبایی و نازیبایی بررسی کرد. الگوهای زیبایی‌شناسانه‌ای که در خلال مباحث سهروردی قابل طرح می‌باشد به خیال باز می‌گردد که تلاش انسان را برای جست‌وجوی زیبایی و آفرینش آن بر پهنه بی‌کرانه هستی منعکس می‌کند. و تحولات عمیقی در روح انسانهایی که مخاطب آن می‌باشند، به وجود می‌آورد.



خیال، به مثابه آینه صیقل یافته‌ای، جوهره راستین عشق‌ورزی و گرایش به خلق زیبایی‌ها و هنرهایی می‌شود که تسلط روح زیبای هنرمند بر مراتب هستی را نشان می‌دهد.

خیال، کلمه‌ای اصالتاً عربی، که معنای پندار را می‌توان معادل فارسی آن قرار داد، ریشه در اعماق زبان‌های سامی دارد که واکاوی آن نیازمند تحقیقی مفصل است. لکن با در نظر گرفتن حوزه و فرهنگی که این واژه در آن طرح می‌شود، مستندترین منبع در حوزه و تمدن اسلامی، در مفهوم-شناسی واژه خیال، قرآن کریم است که تقریر و جعل معنا بر بنیان آن، برهان کاملی برای نظریه-پردازان حکمای مسلمان می‌باشد.

خیال در قرآن پندار و گمانی است که از درک نادرست ناشی شده است و در مقام واسطی میان وجود و عدم قرار دارد؛ بدین معنا که چون تصویری از واقعیت را ایجاد می‌کند، در مقام واقعیت قرار گرفته و امری وجودی خواهد بود. اما به دلیل اینکه واقعیتی که جلوه داده می‌شود واقعیتی تصدیقی کاذبی می‌باشد، امری عدمی محسوب خواهد شد. بهترین مثال آن، تبدیل طناب به مار در داستان حضرت موسی می‌باشد. (ر.ک: بلخاری، ۱۳۸۷، ۲۰-۱۸)

اهل حکمت و فلسفه، تا قبل از سهروردی در کاربرد خیال، نظرات مختلفی داشتند؛ گروهی خیال را به عنوان قوه‌ای از قوای نفس مطرح می‌کرده‌اند. که فارغ از ارتباط یا عدم ارتباط آن با فلسفه ناب، بحث قوای ظاهری و باطنی انسان، یکی از مهمترین مباحث فلسفی به شمار می‌رفته است. چرا که از منظر معرفت‌شناختی، قوه خیال یکی از قوای باطنی انسان است (ر.ک: شیخ الاسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

فارابی سعی کرد با استفاده از مبانی فلسفی، به دفاع از اعتقاد دینی خود در برابر شکاکان بپردازد. به همین دلیل علاوه بر کارکردهای معرفت‌شناختی حفظ صور بعد از غیبت محسوسات و محاکات از واقع، (ر.ک: فارابی، ۱۹۹۵، ص ۸۲) برای قوه خیال، از آن برای کارکرد کلامی یعنی تبیین چیستی نبوت و وحی بهره جسته است. در واقع با گسترش پذیرش اولیه نظریه ارسطو، صور خیالی را

از حد خواب‌ها فراتر می‌برد و آن را ظهور معقول در قوه خیال در عالم نفوس فلکی دانسته است (ر.ک: همان، ۱۱۲-۱۰۷)

ابن سینا مانند فارابی در بحث نفس، از قوای انسانی سخن به میان آورده و در ضمن تقسیم نفس به نفس نباتی، حیوانی و ناطقه و تقسیم هریک به اقسام فرعی دیگر بحث خیال و متخیله را از قوای نفس حیوانی در نظر گرفته است. ابن سینا خیال و متخیله را از هم جدا کرده (ر.ک: ابن سینا، ۱۳۷۹ ه.ش، ص ۳۳۶-۳۱۸) و در فصلهای پایانی نجاه از متخیله به عنوان عالی‌ترین قوای انسانی یاد می‌کند و آن را قوه قدسی می‌نامد که عالی‌ترین قوه مربوط به نبوت است (ر.ک: همان، ص ۳۴۱) که پیامبر با دارا بودن چنین قوه عالی و نیرومندی نه تنها می‌تواند نفوس دیگر، بلکه امور مادی را به طور کلی تحت تأثیر در آورده و یک نظام اجتماعی-سیاسی ارائه کند.

گروهی دیگر علاوه بر موضع معرفت‌شناختی، خیال را از دیدگاه هستی‌شناختی نیز بررسی کرده‌اند، یعنی خیال به این حوزه که آیا هستی منحصر در همین موجودات محسوس است، مربوط می‌شود که در قالب اشیا طبیعی پدیدار می‌شوند و ما با آنها مواجه هستیم؛ و یا عوالم دیگری ورای این عالم محسوس وجود دارد. اینها با اتکا به نظام فلسفی خود از وجود چنین عالمی دفاع کرده و به عنوان یکی از ثمرات تفکر فلسفی خویش در نظر گرفته‌اند و از راههای مختلف به اثبات آن پرداخته‌اند تا جایی که بسیاری از مسائل فلسفی را از طریق آن حل کرده‌اند. از جمله این افراد، غزالی را می‌توان نام برد که تأثیر وی بر رأس این گروه یعنی سهروردی غیر قابل انکار است.

تفکیک میان دو ساحت معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی از کلیدهای فهم هنرمندی و آفرینش اثر هنری است. سهروردی با رد قول مشائیان در باب حواس باطنه که معتقدند قوه وهمیه و متخیله متمایزند و محل آنها نیز تجویف اوسط دماغ است، و متخیله، فعال است بدون اینکه دراک باشد، می‌پردازد. و می‌گوید محل خیال و متخیله یکی است. در نتیجه خیال، وهم و متخیله، هر سه یک چیز و یک قوت می‌باشند که از آنها به اعتبارات مختلف تعبیر می‌شود. وی صور خیالی را در عالم

مثال موجود می‌داند که با تأسی از عارفان و متأثر از آموزه‌های باطنی دین اسلام و متأثر از آموزه‌های فلهویون و مسئله نفوس فلکی نزد مشائیان، وجود آن را اثبات می‌کند (ر.ک: سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲). حکمه‌الاشراق، ص ۲۳۲) متناظر با همهٔ عوالم، مادی، مثالی و عقلی در هستی، مراتب معرفتی، عقل و خیال و حس نیز وجود دارند. در عالم انسانی نیز، انسان دارای سه مرتبه روح و نفس و بدن است. (ر.ک: دینانی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۵-۵۵۲) عالم روح که همان عالم جبروت می‌باشد، عالمی ورای عالم مثال، و عالم مثال، عالمی ورای عالم حس است. عالم حس موجودیت خود را از عالم مثال و عالم مثال موجودیت خود را از عالم روح یافته است. پس هرگاه از عالم روح، افاضه و اشراق یا تابش نوری صورت گیرد، در مراتب گوناگون، هستی می‌آفریند و در عالم مثال، صورت‌ها را ایجاد می‌کند و در عالم مادی نیز، می‌تواند وجودی مادی ایجاد کند. در مرتبه انسانی قوای حسی ایجاد معرفت نمی‌کنند، بلکه اشراق نفس بر اشیای مقابل او، آنها را شناختنی می‌کند و اشیاء در این مقابله و اشراق، صورتهای خود را به خیال منتقل می‌کنند. شخص برای رسیدن به معرفت باید به سمت عوالم بالا سیر کند و به زیبایی ناشی از انوار مراحل سلوک دست یابد. بنابراین ما در عالم ادراک سه مرتبه داریم، عالم حس، خیال و عالم عقل. در اینجاست که در ایجاد یک اثر هنری، خیال نقش مهمی را ایفا می‌کند و هنرمند باید در طی سیر سلوک این عوالم را بپیماید و به عالم خیال برسد تا قادر به خلق زیبایی و اثر هنری ناب گردد که خالی از صور شهوانی و مادی محض باشد. لذا مایه‌های اصلی هنر متعالی و مقدس در همین رویت و ذوقی است که از صور خیال توسط قوهٔ متخیله در هستی تجلی یافته است. لذا هنرمند همواره در یک فضای ملکوتی تنفس خواهد کرد و با آفرینش هنری مقدس که از عالم صور روحانی زیبا، الهام گرفته، آرامش روحی در اطرافش ایجاد می‌کند که موجبات تعالی انسان را فراهم می‌کند. در نتیجه زیبایی‌شناسی نیز از تمایل اخلاقی برخوردار خواهد بود. یعنی احیای بحث‌های طولانی در زمینه‌ی کارکرد اخلاقی مصادیق زیبایی‌شناسی و هنری. اما زمانی که خیال به خود مشغول بوده و در فضایی نفسانی قرار می‌گیرد، تنزل می‌یابد و زیبایی‌هایی که خلق می‌کند آدمی را به بند می‌کشاند. این همان چیزی است که در اندیشهٔ غربی با کنار گذاشتن عالم خیال و سلوک هنرمند

و بهره‌مندی خیالش از صور روحانی و نورانی آن عالم، و محبوس کردن خیال هنرمند در فضای محسوس مادیات، تعهد به امور اخلاقی را نیز رها کرده و هنر خویش را به بیراهه کشانده‌اند. و تصاویر محسوس که دیگر، معانی عظیمی را در پی نخواند داشت و فقط زیبایی ظاهری را دربر می‌گیرند که در پرتو آن فکر عمیق و خاصی پرورانده نمی‌شود، خلق می‌شوند. چنان‌چه هنر مدرن گویای این مطلب است (ر.ک: ریخته‌گران، ص ۱۵-۱۳) اما با جدایی نفس مدبر از کالبدش بدون طی مسافت مکانی و زمانی جهان نورانی خیال را خواهد دید و به درک حقایق کاملی نائل می‌آید که به واسطه کمال در عین زیبایی قرار دارند. یعنی نفس صور خیالی‌ای را با علم حضوری به مثل معلقه که صنع و ساخته‌ی الهی در خیال منفصل موجودند را ادراک خواهد کرد. لذا هنرمند سالک با درک این صور به معدن حسن و زیبایی روحانی دست می‌یابد. پس عالم خیال با هنر ارتباط پیدا می‌کند و بازتاب صور معلقه در روح هنرمند سالک، معیاری برای کشف ریشه‌های متعالی و رموز هنر اسلامی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین هنرهایی مثل موسیقی و معماری به خصوص نگارگری یا مینیاتور نمودار و جلوه‌ای از زیبایی‌های ملکوتی است که هنرمند ترسیم می‌کند و وجود عالم صوری که سهروردی تبیین کرده است، می‌تواند تئوری نسبتاً کاملی در ایجاد واسطه میان زیبایی ناشی از شهود عرفانی و تمائیل هنری در جهان اسلام ارائه دهد. هنر نوعی القا و علمی قدسی خواهد بود که مبانی آن در عالم روح قرار دارد. لذا هنری که در پرتو خیال سهروردی این‌گونه تبیین می‌شود، با هنری که سنت‌گرایان به عنوان هنر مقدس تعریف می‌نمایند، سازگاری دارد (ر.ک: فغفوری، ۱۳۸۷، ص ۶۵-۶۳).

در این پژوهش سعی بر این است تا با بررسی جایگاه معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی خیال، به تبیین آن در مقوله زیبایی و هنر نزد سهروردی پرداخته شود و با بیان و تبیین زیبایی نزد وی به این هدف برسیم که نظریه خیال وی چگونه در پیشبرد و تحول مباحث حکمی و هنری اسلام تأثیر گذاشته است.